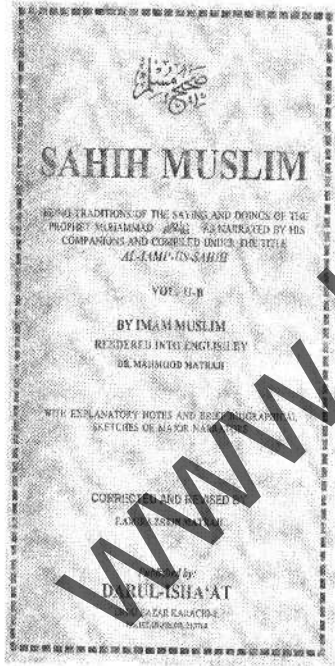


هجرت افسانه‌ای ابوبکر

از دیدگاه صحیحین

صحیح مسلم و صحیح بخاری



صحیح البخاری

The Translation of the Narrations

Sahih Al-Bukhari

Arabic—English

Vol. V

By
Dr. Muhammad Muhsin Khan
ISLAMIC UNIVERSITY -- AL-MEDINA AL-MUNAWWARA

دارالاحیاء

اسدالله اصالت

فهرست عناوین

۹	مقدمه
۱۳	گروه دوم:
۱۵	حدیث محوری
۲۵	«بررسی حدیث محوری»
۲۵	«خانواده ابوبکر»
۲۷	پیامبر بی کار
۳۰	«قومی (امت من)»
۳۳	«اولین پناهنده سیاسی»
۳۵	«اول مسجد»
۳۵	«دروغ بزرگ»
۳۶	«تبصره»
۴۰	«چند اشکال»
۴۱	جواب
۴۳	«نکته»:
۴۴	«اشکال شکننده»
۴۵	«هجرت سری»
۴۶	اشکال بنیادی
۴۸	در نتیجه:
۴۹	تائید ادعای ما
۵۰	«کاروانسرا یا غار ثور»
۵۱	«بررسی آیه و روایت»
۵۲	«ایستگاه شتران»

۵۳	«اشارات ناموزون»
۵۴	«نقشه مسیر کاروان تجاری»
۵۵	«چند مطلب»
۵۵	«قصه اسماء و حدیث محوری»
۵۸	«جمله‌ی معترضه»
۶۰	«شجره خبیثه»
۶۱	«حرکت در روز»
۶۳	(مسجد)
۶۴	«اجیر کردن کافر»
۶۷	فصل دوم: ضد و نقیض‌ها در تطبیق احادیث
۶۸	«یک یا دو مرتبه ملاقات»
۷۱	(۲) یک یا دو کمر بند؟
۷۲	(۳) هم یا هما
۷۳	(۴) «نفرین یک یا دو نفر؟»
۷۳	«اشکال اساسی»
۷۵	(۵) لائح‌زن
۷۶	(۶) «ناقه غیر صالح»
۷۷	(۷) «ایستگاه شتران»
۷۸	(۸) «پیاده یا سوار دوتر که یایک ترکه؟»
۸۰	«ماحصل»
۸۰	(۹) «حرکت در شب یا روز؟»
۸۱	دو نکته
۸۲	(۱۰) «عامر بن فهیره کیست؟»
۸۳	(۱۱) «ساقی کاروان کیست؟»
۸۵	«چند اشکال»
۸۷	(۱۲) «شیر گوسفند یا شتر یا؟»
۸۸	(۱۳) «غار یا صخره؟»
۸۹	(۱۴) «مسافت بین مکه و غار»
۹۲	(۱۵) «راهنمای مفقود الاثر»

هجرت افسانه‌ای ابابکر • ۷

- ۹۲..... (۱۶) «چند شب یا ساعت در غار؟»
- ۹۳..... (۱۷) «مکان تعقیب»
- ۹۴..... (۱۸) «نکته‌ها»
- ۱۰۰..... «ابو بکر در مدینه»
- ۱۰۲..... «تاریخ هجری قمری»
- ۱۰۳..... «فرا تر از معجزه»
- ۱۰۴..... (۲۴) «تحقیر رسول الله»
- ۱۰۸..... (۲۵) «یار غار نه یار صخره»
- ۱۰۹..... «اسم چوپان»

www.ketab.ir

مقدمه *

در این مقدمه بطور خلاصه به دو مطلب اساسی (هجرت افسانه‌ای و حق‌کشی نسبت به حقوق حق‌ه امیرالمؤمنین علی علیه السلام) پرداخته که ستون اصلی این مجموعه را تشکیل می‌دهند و از سوئی آشکار کرده ایم که هدف عنصری مخالفین شیعه از اصرار به هجرت ابوبکر در کنار پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، مقدمه‌ای برای خلافت و بهانه‌ای برای ریاست است، نه اینکه منظور اصلی هجرت باشد. اکنون با جمله نورانی قرآن کریم مقدمه را آغاز می‌کنیم.

قال الله تعالى: إِلَّا تَصْرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السَّعْيَىٰ وَكَلِمَةَ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ
خداوند می‌فرماید:

اگر او (پیامبر) را یاری نکنید (اهمیت ندارد زیرا) خداوند اکنون او را (با مأمور کردن حضرت امیر در جایگاه پیامبر) یاری کرد، آن دم که کافران او را از مکه بیرون راندند، در حالی که (آن حضرت) در غار بود، دومی از دوتا بود، که به یار غار خود می‌فرمودند، محزون و نگران مباش بی‌شک خداوند باماست.

در این جمله (اذْهُمَانِي الْغَار - هنگامی که آن دو در غار بودند) اشاره به دونفر می‌باشد که قطعاً پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یکی از آن دو بوده ولی شخص دوم چه کسی است؟ اختلافات بالا گرفته، حتی به میدان تاخت و تاز آراء و افکار مخالف و موافق تبدیل گشته. گروهی از پیروان تسنن و با کمال تأسف برخی از پیروان مکتب تشیع بدون تحقیق در این وادی وارد شده، در حالیکه ادعای بدون سند، و گفتاری بی‌مدرک و بی‌اساس ارائه کرده‌اند. به فضل خداوند، ما از دیدگاه دو مجموعه موجود (صحیح بخاری و

صحیح مسلم که در هفده جلد عربی - انگلیسی چاپ عربستان و پاکستان) می‌باشند، ثابت می‌کنیم تمامی تلاش‌های علمای تسنن برای جانشینی ابوبکر در جایگاه نبوی بوده و ایشان تشخیص داده اند هجرت یکی از راه‌های ثابت کردن لیاقت برای خلافت بعد از پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خواهد بود. از این رو در این کتابها تلاش شده تا ابوبکر را از مکه همراه آن حضرت نمایند، و در غار ثور به عنوان (یار غار) مشهورش کنند. برای اینکه ادعای ما مستند به سند صحیح و قابل قبول بزرگان اهل سنت افتد، به بیان اولین شخصی که از این طریق خواسته جانشینی ابوبکر را ثابت کند تمسک می‌جوئیم. البته توضیح آن در متن کتاب خواهد آمد. ان شاء الله آن شخص دوست قدیمی ابوبکر یعنی جناب عمر فرزند خطاب است که بعد از وفات سرور کائنات بر فراز منبر آن حضرت رفته و از نبود آن بزرگوار سوء استفاده کرده و اعلان نمود.

ان يَكُ مُحَمَّدًا قَدْ مَاتَ فَاِنَّ اللَّهَ قَدْ جَعَلَ بَيْنَ اَظْهَرِكُمْ نَوْرًا تَهْتَدُونَ بِمَا هَدَى اللَّهُ مُحَمَّدًا (ص) و اِنَّ ابابكر صاحب رسول الله، ثاني اثنين، فانه اولى المسلمين باموركم فقوموا فبايعو...^۱

ترجمه: اگر محمد (نه پیامبر) مرده پس بدرستی که خداوند نوری هدایتگر بین شما قرار داده که با همان نور (قرآن نه سنت) محمد را هدایت کرد. و بدانید که ابوبکر مصاحب رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و دومی از دو تا است. پس ...
عمر اولین کسی است که در خطبه‌های نماز جمعه خود بعد از نام مبارک رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اسم ابوبکر را جاری می‌کرد.

الف: نوری برای هدایت شما قرار داده که بوسیله همان نور محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم راه‌دایت کرد. (منظورش قرآن بدون سنت نبویه است. در روز پنجشنبه که ابن عباس آن را روز مصیبت اعلان کرد، زیرا سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بوسیله عمر زیر پا گذاشته شد. در کتاب رافضی‌ها بحث مفصل ارائه شده) واضح‌تر اینکه ما خودمان خلیفه انتخاب می‌کنیم و احتیاجی به پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نیست.^۲

۱ - صحیح بخاری جلد ۹ صفحه ۲۴۸ و ۳۲۶ حدیث ۳۲۶ راوی راوی: انس ابن مالک

۲ - صحیح مسلم جلد ۵ صفحه ۱۳۴ و حدیث ۱۶۱۷

ب: دوم اینکه ابوبکر از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم است.

ج: (مهمتر) ابوبکر دومی از دوتا یا ثانی اثنین است.

بنابراین ای مسلمان ها برخیزید و با او بیعت کنید تمام.

اولاً: عمریه مردم می‌گویند قرآن بهترین راهنما است، آیا در قرآن فرمانبرداری از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نیامده؟ چرا بارها فرمان صدور صد آمده است که اطاعت از خدا و رسول یکسان است.^۱ پس چرا عمر به دستورات پیامبر روی منبر آن حضرت توجهی نکرد.

ثانیاً: عمل به سنت (بیانات، نوشتار، اعمال) پیامبر واجب است نسبت به این ادعا احادیث فراوانی در این دو مجموعه می‌باشد. اما برعکس مصاحب پیامبر بودن از فضائل شمرده نشده و هیچ حدیثی نداریم همان‌گونه که در قرآن آمده و ما به آن خواهیم پرداخت.

چهارم اینکه: جناب عمر می‌گوید: ابوبکر ثانی اثنین است. پس با او بیعت کنید و به او رأی بدهید. ولی غافل از مضمون آیه است زیرا این عبارت شامل فقط رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌شود و هیچ استدلالی را برای دیگری نمی‌پذیرد. پس بیان عمر برخلاف قرآن است. چون دومی از دوتا پیامبر است نه همراه او.

حرف آخر: کلمه صاحب باقی می‌ماند، که مصاحب آن حضرت هر شخصی باشد مذمت شده چرا محزون و پریشان شده؟ حال او یا (عبدالله فرزند بکر است یا عبدالله فرزند ابوبکر و...) به هر صورت افتخاری نیست بلکه انتقاد از او به عمل آمده. بعد از این مغلطه کاری، آنس می‌گویند عمر قانع نشد بلکه از ابوبکر خواست تا به منبر رفته و مردم با او بیعت کنند. این مرحله دوم تبلیغات عمر به نفع دوست خود ابوبکر بوده و الّا ابتداءً در سقیفه تبلیغات داشته است.

جناب عمر نتیجه می‌گیرد، که چون او در غار ثور بوده پس او بهترین و به امور مسلمین آگاه‌تر است. پس برخیزید و با او بیعت کنید.

يَا صَاحِبِي السَّجْنِ أَرَبَابٌ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ^۱

یعنی: (حضرت یوسف علیه السلام در زندان به تبلیغ و ارشاد پرداخته و فرمودند) ای دو رفیق زندانی من آیا خدایان پراکنده بهترند یا خداوند یگانه قهار. در این آیه حضرت یوسف علیه السلام دو نفر زندانی که بت پرست بودند، صاحب خطاب کرده.

گروه دوم:

عکس قضیه امت و بر اصحاب به انبیاء خداوندالقاء شده که بابت پرستان هم زیست و مصاحب بودند.

... وَمَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ حِجَّةٍ^۲

وَمَا صَاحِبُكُم بِمَجْنُونٍ^۳

یعنی (ای کافران) صاحب و رفیق شما (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم) هیچ گونه دیوانگی ندارد. خلاصه اینکه: نه هم زیستی کفار با انبیاء باعث افتخار آنها می شود. و نه هم زیستی انبیاء با کفار باعث سرخوردگی و کسر شأن ایشان می گردد.

بنابراین اصحاب پیامبران هر کس که باشد با بودن صحابی آن پیامبر شخصیتی برای انسان کسب نخواهد شد. از این جهت به علما و بزرگان اهل سنت است که هم نشینی و مصاحبت را با جان نشینی و خلافت ارتباط ندهند، زیرا علاوه بر اینکه دلیل قرآن و حدیثی وجود ندارد، بلکه عقل و منطق نیز از این عمل به تعجب واداشته می شوند.

مهمتر اینکه، بعداً مابه تفصیل و بیان منطقی ثابت می کنیم که جناب ابوبکر و خانواده اش در مدینه بوده و به فرض محال اگر قبول کنیم ابوبکر در غار با پیامبر بوده و به این علت وصی است وکیل است یا خلیفه و... اصولاً هیچ ربطی به یکدیگر ندارند. و آلاً کفار و مشرکین بایستی ادعا کنند که می توانند خلیفه پیامبران خود شوند.

۱- قرآن مجید، سوره یوسف (۱۲) آیه ۲۹

۲- قرآن مجید، سوره سباء (۳۴) آیه ۴۶ - و قرآن مجید سوره قلم (۶۸) ۵۱ - و قرآن مجید، سوره نجم (۵۳) آیه ۲ - و قرآن مجید سوره اعراف (۷) ۱۸۴

۳- قرآن مجید، سوره تکویر (۸۱) آیه ۲۲ و قرآن مجید، سوره حجر (۱۵) آیه ۶ و قرآن مجید، سوره صافات (۳۷) آیه ۳۶

تمامی تلاش های بی وقفه و مستمر در جعل حدیث (حتی روایات ضدونقیض که بعداً به آنها می پردازیم ان شاءالله) و متوسل شدن به آنها سر و سامان دادن معجزات و یا کرامات برای جانب ابوبکر، قبل از آمدن وحی به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جهت هجرت و امثال آن عمده هدف برای کم رنگ جلوه دادن و یا بکلی منصرف کردن افکار و اندیشه ها از فداکاری و ایثارگری حضرت امیر المؤمنین آن پرچم دار همیشه پیروز فرزند ابوطالب علیه السلام می باشد. ولكن علی رغم این بی مهری ها خداوند هم آن خلاء را بوسیله نزول آیه ای دل انگیز و نورانی و تمجید و تعظیم از آن شخصیت ملکوتی جبران نموده و فرموده:

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ^۱

یعنی: از مردم کسی است که در طلب رضای خدا از سر جان می گذرد و خداوند به بندگان مهربان است. از میان هزاران روایت که بیش از بیست حدیث در مورد هجرت احیاناً برخی از آنها به ده صفحه بالغ می شود! یک حدیث در ارتباط بالیلۃ المبيت (شی که حضرت امیر علیه السلام در جایگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خوابیدند) سخنی نگفته و اشاره ای ننموده و این حق گشتی بوسیله آیه غار و آیه فوق الذکر جبران شده و از این شخصیت بعنوان ایثارگر الهی و نجات دهنده جان پیامبر یاد نموده. خوشبختانه برخی از مترجمین و مفسرین اهل سنت به آن پرداخته اند.^۲

مؤلف

۱- قرآن مجید سوره بقره آیه ی ۲۰۷

۲- ترجمه و تفسیر عربی - انگلیسی یوسف علی صفحه ۴۵۰ چاپ آمریکا و فخر رازی در تفسیرش - حاکم در مستدرک - احمد حنبل در مسند و... به نقل تفسیر مبین صفحه ۳۲ و میرزا احمد علی هندی در ترجمه و تفسیرش انگلیسی - عربی صفحه ۲۰۵-۲۰۴